



دکتر بهرام گرامی

ویراستار مشاور در

دانشنامهٔ ایرانیکا

یلدا و ارتباط آن با

کریسمس ...

یلدای ما روز است نه

شب!

درباره شب یلدا تا کنون مطالب بسیار گفته و نوشته شده، گاه آمیخته با اسطوره و افسانه و گاه با داستان‌هایی از برپائی رسم و آئین آن در مناطقی از کشورمان. در این مختصر کوشش گردیده تا دور از داستان‌سرائی و افسانه پردازی، سابقه و اصالت یلدا و ارتباط آن با مسیحیت در حد امکان روشن گردد.

انبوه مطالب را خلاصه می‌کنیم و موضوع را گام به گام پی می‌گیریم:

یک. ابتدا ببینیم یلدا چه کلمه‌ای و به چه معنایی است. یلدا واژه‌ای است سُریانی (منسوب به سورستان یا سوریه) به معنای میلاد، و سُریانی نام زبانی است که مردم سوریه و شمال عراق از قبل از میلاد مسیح تا چند قرن بعد از آن یعنی تا نزدیک ظهور اسلام به آن صحبت می‌کرده‌اند و رابطه تنگاتنگ با زبان یونانی دارد. بعد از اسکندر، به سبب مهاجرت یونانی‌ها زبان سورستانی با زبان یونانی آمیخت. می‌گویند هنوز برخی مردم آن مناطق لهجهٔ سُریانی

دارند. از این زبان برای تحریر و تحلیل موضوعات دینی و فلسفی استفاده می‌شده است، با
بیتی از سنایی (در گذشته ۱۱۵۵ م)^۱:

سخن کز روی دین گویی چه عبرانی چه سریانی / مکان کز بهر حق جویی چه جابلقا چه جابلسا^۲
دو. حال این سؤال پیش می‌آید: میلاد چه کسی؟ آنچه اکنون به نام شب یلدا معروف است
بلندترین شب سال در نیمکره شمالی است و طبعاً در نیمکره جنوبی مانند استرالیا و آرژانتین
کوتاه‌ترین شب سال شب اول تیر یا ۲۲ ژوئن است. شاید کسی فکر کند که چون یلدا و بلند
هر دو حروف لام و دال را به همان ترتیب دارند، لابد به نحوی با هم مربوط می‌شوند! در هر
حال، بلندترین شب سال مصادف است با کوتاه‌ترین روز سال، یعنی از فردای چنین شبی
روزها به تدریج بلندتر می‌شود، گوئی روز اول دی روز تولد خورشید است و از آن روز به
بعد خورشید چون طفل نوزاد هر روز رشد می‌کند، یعنی روزها بلندتر می‌شود، و اگر در
سراسر عالم بگردیم می‌بینیم فقط خورشید است که هر جا متولد شود همان جا روز است،
یعنی تولدش نمی‌تواند شب باشد! ولی همچون مناسبت‌های دیگر مانند تولد افراد،
سالگردها، عید و چهارشنبه سوری که همیشه شب قبل از آن مناسبت را جشن می‌گیریم، در
مورد یلدا نیز شب آن را جشن می‌گیریم. البته خواهیم دید که نام روز تولد خورشید از ابتدا
یلدا نبوده است.

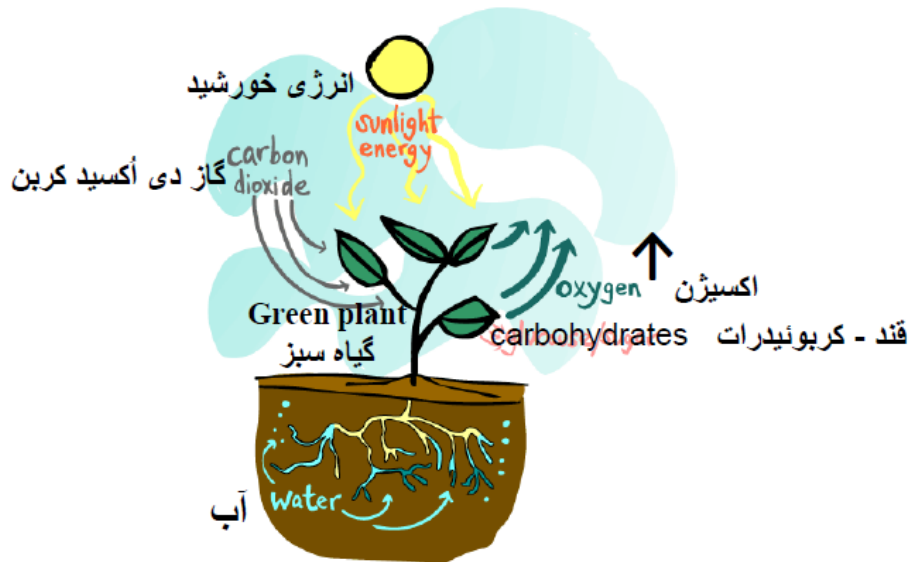
سه. حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا تولد خورشید تا این اندازه مهم است. اهمیت
خورشید نه چیز تازه‌ای است و نه در آینده از آن کاسته خواهد شد. در مدرسه می‌خواندیم
که "خورشید سرچشمه انرژی عالم است"، ولی کمتر توضیح می‌دادند که چرا؟ یکی از
مهمترین پدیده‌های طبیعت پدیده فتوسنتز (photosynthesis) یا کربن‌گیری است که طی
آن گیاهان سبز در برابر نور خورشید با استفاده از اکسید کربن در هوا و آب ترکیبات اولیه
کربوهیدرات‌ها را می‌سازند که پایه مواد غذایی گیاهی می‌باشد. بنابراین بدون خورشید و
گیاهان سبز در چرخه حیات بر روی کره زمین هیچ جانوری نیز وجود نخواهد داشت، زیرا
در زنجیره نیاز موجودات به یکدیگر جانوران گوشت‌خوار هم مجبور به تغذیه از جانوران

^۱ در این مقاله، برای سهولت مقایسه، همه تاریخ‌ها به سال میلادی داده می‌شود.
^۲ جابلقا = منتهای مشرق، جابلسا = منتهای مغرب.

علف خوار می شوند. البته قضیه بیش از اینها است و شامل تشکیل مواد سوختی فسیلی مانند نفت هم می شود.

Photosynthesis

فتوسنتز = کربن گیری



چهار. بر این اساس، مردمان عهد قدیم، پیش از آیین زردشت، خورشید را مقدس ترین موجود می دانستند و آن را می پرستیدند، و طبعاً این بلندتر شدن روزها مهم ترین پدیده برای آنان بشمار می رفته است. دو کلمه مهر و میترا به معنای خورشید هستند و همه این چیزهایی را که اینجا و آنجا از میترایسم و آئین مهر و مهرپرستی و ایزد مهر و معبد خورشید و هرچه دیگر از این دست می شنویم همه از این باور دیرینه یعنی مقدس بودن خورشید سرچشمه گرفته است.

پنج. حال به ارتباط بین یلدا و مسیحیت می پردازیم. مهرپرستی یا میترایسم از مرزهای ایران فراتر رفت. در اروپا گسترش پیدا کرد و مهربانهائی که پرستشگاه پیروان آئین مهری بود در

اروپا ساخته شد.^۱ پادشاهان روم به مهرپرستی گرویدند و آئین مهر برای چند قرن آیین رسمی امپراتوری روم شد. رومیان توگد مهر را به زبان لاتینی^۲ "ناتالیس انویکتوس" natalis = noël= birth یعنی "توگد مهر شکست‌ناپذیر" می‌نامیدند و جشن می‌گرفتند و آن را آغاز سال می‌دانستند. حتی پس از گسترش دین مسیحیت، باز کشیشان نتوانستند از گرفتن این جشن‌ها جلوگیری کنند. اولیای دین جدید پی‌بردند که برانداختن برخی سنت‌های آیین مهر مشکل است و یاد آن همچنان در خاطرها زنده می‌ماند.

شش. تاریخ توگد عیسی مسیح بر هیچ کس معلوم نیست، نه سالش و نه روزش، و پرواضح است که اگر معلوم بود اختلاف و کشمکش بر سر آن قرن‌ها ادامه پیدا نمی‌کرد. آن را ششم ژانویه، اول مارس، پانزدهم سپتامبر و روزی هم در نوامبر گفته‌اند. کنستانتین امپراتور روم که به پدر کلیسا مشهور است در سال ۳۱۴ م آیین مسیح را رسماً جانشین میتراپیسم نمود. او در سال ۳۲۱ م آخرین روز هفته یا روز استراحت را Sunday به معنای روز خورشید نامید و در سال ۳۳۰ م شهری در تنگه بُسُفُرا بنام خود Constantinople نامید که پس از ۶۵ سال پایتخت روم شرقی گردید و تا تشکیل دولت عثمانی در سال ۱۴۵۳ م بر این نام باقی ماند.^۳

کنستانتین می‌خواست دو جشن مسیحیان و یهودیان را که همزمان بودند از هم جدا نگاه دارد. او با استفاده از ابهام در تاریخ توگد عیسی و با این بهانه که مسیحیان عیسی را مظهر نور می‌دانند، عملاً توگد مهر یا میلاد ایزدمهر را به میلاد مسیح تبدیل کرد و تاریخ توگد عیسی را

^۱ در حاشیه باید گفت کسانی بر این باورند که "خَرابات" (با فتح اوّل) همان "خَرابات" (با ضمّ اوّل) یا "خورآباد" است و توجیه‌شان تبدیل حرف "ت" به "د" است، مانند تُشک یا دُشک، تُتَبک و دُنَبک، یا زَرْتُشت و زَرْدُشت.

^۲ زبان لاتینی از بین رفته و چون تغییر نمی‌کند، برای نامگذاری جانوران و گیاهان، آثار طبیعی و جغرافیایی، و وقایع تاریخی به‌کار می‌رود، مانند نام خلیج فارس یا سینوس پرسیکوس. Sinus Persicus

^۳ polis در زبان یونانی به معنای شهر است (شهربانی = police) و آن را به‌عنوان بخشی از نام شهرهای مینیاپولیس، ایندیاناپولیس، آکروپولیس و بهتر از همه پرسپولیس یا تخت جمشید می‌بینیم. کنستانتین پُل، در اینجا با املای Constantinople، هم به معنای شهر کنستانتین است که عربی آن "قسطنطنیه" برای ما ایرانیان نامی آشناست. با برقراری امپراتوری عثمانی، این نام به Islampole به معنای شهر اسلام تغییر یافت که به سبب نبودن حرف "p" یا "پ" در عربی، آن را Istanbul و اسلامبول می‌نامند.



Farvahar & Cross

فَرَوَهَر
&
صَلِيب



روز ۲۲ دسامبر تعیین نمود که بعداً به ۲۵ دسامبر تغییر یافت. نخستین بار در تقویم Philocalus در سال ۳۵۴ م از ۲۵ دسامبر بعنوان روز تولد مسیح نام برده شده است که شاید این سه روز اختلاف با یلدا ناشی از تبدیل دو تقویم یا محاسبات کیسه‌گیری باشد. این را هم بدانیم که در زمان ابوریحان بیرونی دی‌ماه را "خورماه" به معنای خورشید ماه نیز می‌گفتند و بعدها دی با مفهوم آفتاب و روشنایی به شکل day به معنای ساعات روشن روز وارد زبان انگلیسی شد و امروزه به معنای ۲۴ ساعت به کار می‌رود. روز خورشید یا مهرروز (Sunday) یا یکشنبه را هم روز مقدس مسیحی قرار دادند. دائرةالمعارف بریتانیکا به شباهت‌های آشکار بین میترائیسم و مسیحیت اشاره دارد.

هفت. و پرسش آخر آنکه نام یلدا از کجا آمده و چطور شد که این روز را یلدا نامیدند. مسیحیان سُرّیانی میلاد مسیح را در زبان خود یلدا نامیدند و ایرانیان که با سُرّیانی‌ها هم‌جوار و در ارتباط بودند این واژه را از آنان گرفتند و آن را برای نامیدن همان روزی که از قرن‌ها قبل به خاطر زایش خورشید برایشان مهم و مقدس بود و حالا مناسبت تازه‌ای هم پیدا کرده بود و روز تولد عیسی شده بود به کار بُردند و این روز را یلدا نامیدند. بنابراین، یلدا نامی

است که مسیحیان سُرّیانی برای توگد عیسی به کار برده‌اند و ایرانیان آن را برای روز توگد خورشید به کار می‌برند.

شاعران فارسی زبان از یلدا بسیار گفته‌اند، از جمله سه شاعر صاحب نام متعلق به نهصد تا هزار سال پیش به ارتباط مستقیم یلدا و مسیح اشاره کرده‌اند. دو بیت متوالی زیر از ناصر خسرو (۱۰۰۳ تا ۱۰۸۸ م) است که در آن ترسا به معنای مسیحی و لیلِ قدر همان شب قدر مسلمانان است:

گر زی تو قول ترسا مجهول است / معروف نیست قول توی ترسا

یکشنبه است از او ز تو آدینه / تو لیل قدر داری و او یلدا

دو بیت متوالی زیر از امیر معزی (درگذشته ۱۱۲۵ م) است که در آن به مهر و ترسا هر دو اشاره دارد:

یزد دادار مهر و کین تو گوئی / از شب قدر آفرید و از شب یلدا

زانکه به مه‌رت بود تقرّب مؤمن / زانکه به کینت بود تفاخر ترسا

دو بیت متوالی زیر از سنائی (درگذشته ۱۱۵۵ م) نیز معلوم می‌دارد که یلدا قبلاً وجود داشته ولی با قرار دادن آن به عنوان زاد روز عیسی معروف تر شده است:

چو علم آموختی، از حرص آنکه ترس، کاندل شب / چو دزدی با چراغ آید گزیده تو برد کالا

به صاحب دولتی پیوند اگر نامی همی جویی / که از یک چاکری عیسی چنان معروف شد یلدا

حافظ (درگذشته ۱۳۹۰ م) در بیت زیر ملال همنشینی با حاکمان (ستم پیشه) را به بلندی شب

یلدا تشبیه نموده و توکل می‌کند که شب تاریک با طلوع خورشیدِ عدالت به پایان رسد:

صحبت حکام ظلمت شب یلداست / نور ز خورشید خواه بو که بر آید

در شعر فارسی، بلندی گیسوی یار را به شب یلدا مانند کرده‌اند، با سه بیت به ترتیب از سعدی

(حدود ۱۲۰۷ تا حدود ۱۲۹۴ م)، صائب (۱۶۰۷ تا ۱۶۷۰ م) و خواجوی کرمانی (۱۲۹۰ تا

۱۳۵۲ م):

روز رویش چون برانداخت نقاب از سر زلف / گویی از روز قیامت شب یلدا برخاست

می‌کند زلف دراز تو به دل‌های حزین / آنچه با خسته روانان شب یلدا نکند

هست در سالی شبی ایام را یلدا و لیک / کس نشان ندهد که ماهی را دو شب یلدا بود

معنای بیت بالا: هر سال فقط یک شب یلدا دارد، اما کسی ندیده که در یک ماه دو شب یلدا (با کنایه از رخسار همچون ماه و دو رشته موی سیاه) وجود داشته باشد.

دوران فراق و دوری از معشوق را هم که در چشم عاشق طولانی می‌نماید به شب یلدا تشبیه کرده‌اند، با سه بیت به ترتیب از اوحدی مراغه‌ای (۱۲۷۴ تا ۱۳۳۷ م)، سعدی (حدود ۱۲۰۷ تا حدود ۱۲۹۴ م) و فروغی بسطامی (۱۷۹۸ تا ۱۸۵۸):

شب هجرانت ای دلبر شب یلداست پنداری / رُخت نوروز و دیدار تو عید ماست
پنداری

نظر به روی تو هر بامداد نوروژیست / شب فراق تو هر شب که هست یلدائیست

من از روز جزا واقف نبودم / شب یلدای هجران آفریدند

* * *

در میان ما ایرانیان هنوز این رسم بر جای مانده که در بلندترین شب سال، یا شب چله، افراد خانواده گرد هم آیند و آجیل و شیرینی خورند، آنها که گرم مزاج هستند خنکی، مانند هندوانه و آنها که سرد مزاج هستند گرمی، مانند خرما و انجیر و ارده‌شیره خورند تا طبع و مزاجشان برگردد. با حرف و خاطره و فال حافظ تا دیرگاه و نزدیک سحر و گاه تا طلوع آفتاب بیدار نشینند تا برآمدن آفتاب را نظاره کنند... رسمی که در غبار زمان رنگ باخته و نام و نشان از دست داده و آئینی که صدا و سیمایش در هیاهو و سیطره مسیحیت به سختی شنیده و دیده می‌شود.